

تراز پرداختهای خارجی

مهدی تقوی

قبل از جنگ دوم جهانی مفهوم "ترازپرداختهای خارجی" را تنها اقتصاددانان می فهمیدند، اما امروز همه مامی دانیم ترازپرداختهای خارجی چیست؟ در این مقاله کوشش می شود که اطلاعات بیشتری در این باره در اختیار خواننده گذارده شود.

ترازپرداختهای خارجی شامل کلیه معاملاتی است که در یک نقطه خاص از زمان پرداخت نقدی یا تعهداتی را به وجود می آورد. از آنجا که وضعیت مالی یک کشور، همانند یک واحد تجاری، نه تنها به موجودی وجه نقد آن بلکه به بدهی ها و طلب های کشور نیز بستگی دارد، در تعریف ترازپرداختهای خارجی ما "تعهدات" را نیز وارد می کنیم.

اماترازپرداختهای خارجی پوشش وسیعتری دارد. تراز شامل برخی از معاملات اقتصادی نیز هست که نهایتاً به پرداخت وجه نقد نمی انجامند. اگرچه اکثر معاملات ساکنین کشور با خارج به پرداخت وجه نقد و تعهدات می انجامد اما برخی از معاملات مهم از شمول این قاعده خارج می باشند. برای مثال، کالاهایی که بعنوان کمک به سایر کشورها داده می شوند یا کالا و ماشین آلاتی که از طرف شرکتهای مادر بمنظور سرمایه گذاری در شرکتهای فرعی آنها در خارج ارسال می شوند نیز صادرات و واردات محسوب می شوند.

بهمین ترتیب اگر شرکتی تمام وجوه حاصل ارسدور کالا را در کشور دیگر خارج نساخته و قسمتی از آنرا در این کشور سرمایه گذاری کند، این قسمت در حساب سرمایه وارد شده و تا اندازه ای ثبت انجام شده در رابطه با ارسدور کالا را خنثی می کند. علت این است که هدف در تراپرداختها ثبت منظم تمامی جریان منابع واقعی بین یک کشور و سایر کشورهای جهان و تمامی تغییرات در دارائیهابویدمی های خارجی این کشور است.

این پوشش وسیع تراپرداختها را به گونه ای منظم با فعالیتهای اقتصادی در کشور ارتباط داده و نه تنها تاثیری نامناسب بر ارزیابی مسائل پرداخت بین المللی نمی گذارد، بلکه تحلیل این مشکلات را در چارچوب اقتصادی وسیعتری، در مقایسه با حالتی که تراپرداختها تنها صورت دریافتها و پرداختهای پولی می بود، ممکن می سازد.

طرفهای حسابداری

تراپرداختهای خارجی صورت حساب دو طرفه حسابداری است و بر اساس قواعد بدهکار و بستانکاری مشابه حسابداری و احدهای تجاری تنظیم می شود. برای مثال صادرات (مانند فروش واحدهای تجاری) بستانکار و واردات (مانند خرید واحدهای تجاری) بدهکار می باشند. از یک جنبه ظاهری، روشهای حسابداری تراپرداختهای خارجی با روشهای حسابداری واحدهای تجاری تفاوت دارد. سنتا "ثبتهای بستانکار درستون طرف چپ و ثبتهای بدهکار درستون طرف راست آورده می شوند. یک راه دیگر نشان دادن اقلام بدهکار با علامت منفی و اقلام بستانکار با علامت مثبت می باشد. همانند حسابداری واحدهای

تجاری، در تراپرداختهای خارجی افزایش در داراییها (برای مثال سرمایه گذاری مستقیم در خارج) و کاهش در بدهی ها (برای مثال بازپرداخت بدهی ها) بعنوان بدهکار و کاهش در داراییها (برای مثال فروش اوراق بهادار خارجی) و افزایش در بدهی ها (برای مثال دریافت وام خارجی) بعنوان بستانکار ثبت می شوند. يك قاعده ساده که به درك این عرفها كمك می کند، این است که در این معاملات حرکت اسناد و نسه پول است که ثبت می شود. سرمایه گذاری انجام شده در خارج شامل ورود اطلاعات به انجام سرمایه گذاری است و بنابراین بدهکار است. در تراپرداختهای خارجی يك طبقه مهم وجود دارد که هیچ گروه مشابه با آن در تراذنامه واحدهای تجاری بچشم نمی خورد. این گروه هدایا، كمك هایا پرداختهای انتقالی است. پرداختهای انتقالی دریافت شده از خارج بستانکار و پرداختهای انتقالی به خارج بدهکاری می باشند.

بطور کلی اقلام بستانکار رami توان دریافت و اقلام بدهکار را پرداخت تصور کرد. اما این کار همیشه امکان پذیر نیست. بخصوص تغییر در ذخایر بین المللی يك کشور (طلا وارز) اگر افزایش یابد، بدهکار و اگر کاهش یابد بستانکاری باشد. این يك عرف بسیار حسابداری است که اقتصاددانان با آن آشنایی باشند. اما برای دیگران بی شك نا آشنا و غیر واقعی است. روش مورد عمل خنثی کردن تغییر در ذخایر در مقابل تغییر در سایر اقلام در جدول به گونه ای است که جمع کل (بجز برای اشتباهات) برابر صفر می باشد.

معاملاتی که وارد تراپرداختهای خارجی می شوند به سه گروه اصلی تقسیم می شوند: معاملات مربوط به کالا و خدمات، پرداختهای انتقالی و معاملات سرمایه ای یا معاملات در سرمایه و طلا.

معاملات سرمایه ای معاملاتی هستند که معرف تغییر در داراییها و بدهی های خارجی کشور می باشند، طلای اضافه شده به ذخایر کشور نیز داراییهای خارجی به حساب می آیند.

مانند معاملات در واحدهای تجاری، معاملات تراپرداختهای خارجی غالباً دارای دو جنبه بوده و باعث دو قلم ثبت بدهکار و بستانکار می گردند. غالباً این دو جنبه در دو طبقه مختلف قرار می گیرند. برای مثال، صادرات در مقابل دریافت وجه نقد، ممکن است باعث افزایش ذخایر ارزی کشور گردد.

چنین معامله ای در تراپرداختهای خارجی در بستانکار صادرات و بدهکار حساب سرمایه ثبت می شود. در برخی حالات نیز هر دو جنبه ممکنست در یک حساب ثبت شوند. برای مثال، خرید اوراق بهادار خارجی، که بعنوان بدهکار در حساب سرمایه ثبت می شود، ممکنست بخاطر کاهش ذخایر ارزی بعنوان بستانکار در حساب سرمایه نیز ثبت گردد. برای معاملات پایاپای هر دو ثبت بدهکار و بستانکار در حساب کالا و خدمات انجام می گیرند.

ثبت هادرتراپرداختهای خارجی؛

رساله جامع علوم انسانی

برای درك بهتر ثبت هادرتراپرداختهای خارجی، در جدول (۱) تراپرداختهای خارجی فرضی برای يك کشور ارائه می شود و در رابطه با این تراپرداختهای فرضی ثبت هادرتراپرداخت قرار می گیرند.

الف : کالا و خدمات - در گروه الف جدول (۱) اولین قلم، یعنی

کالا در برگیرنده واردات و صادرات، کالامی باشد.

بر اساس عرف متداول واردات به ارزش فوب (یعنی ارزش

کالا تا بندر مبدأ) و صادرات نیز به ارزش فوب بندر مبدأ

جدول ۱ - تراپرداختهای خارجی

به میلیاردریال

بدهکار	بستانکار	
۷۳۶/۱	۵۹۰/۱	الف : کالا و خدمات :
۴۹۷/۵	۴۷۴	۱- کالا (فوب)
۲۶/۴	۱۱/۳	۲- طلای غیرپولی
۲۴/۴	۲۲/۷	۳- حمل و نقل
۲۵	۱۶/۲	۴- سایر حمل و نقل
۸۰/۶	۱۹/۳	۵- مسافرت
۲۹/۴	—	۶- درآمدی سرمایه گذاری
۴۱/۲	—	۷- سرمایه گذاری مستقیم
۷/۵	—	۸- سایر
۶۴/۷	—	۹- دولت
۱۴/۲	—	۱۰- سایر خدمات
۵۰/۵	—	۱۱- بیمه غیر کالائی
۱۴۶	—	۱۲- سایر
۱۲/۲	—	خالص کالا و خدمات
۱۳۳/۸	—	مانده تجاری (۲۰)
۴/۴	۲۲/۷	خالص خدمات (۸۳)
۳	۱۱/۸	ب : پرداختهای انتقالی :
۱/۴	۱۰/۹	۱- خصوصی
—	۱۸/۳	۲- دولت
۱۳۷/۲	—	خالص پرداختهای انتقالی
۱۳۷/۷	—	جمع خالص (۱۳)
—	—	جمع خالص (۱۰)
—	۱۶۴/۹	پ : سرمایه و طلای پولی
—	۸۹	بخش غیرپولی
—	۰/۸	۱- سرمایه گذاری مستقیم
—	۱۲۵/۷	۲- سایر سرمایه گذاریهای بلندمدت خصوصی
—	۵۲/۱	۱- وامهای دریافتی
۱۱/۹	۸۵/۵	۲- سایر
—	—	۳- سایر سرمایه گذاریهای کوتاه مدت خصوصی
۴۵/۵	۲/۴	۴- شهرداریها
—	—	۵- اوراق قرضه صادره
۱/۴	—	۶- و بازپرداخت شده
۳/۷	۷/۵	۷- وامهای دریافتی
—	۵/۶	۸- دولت
—	—	۹- اوراق قرضه صادره
۲/۲	—	۱۰- و بازپرداخت شده
۸/۳	۲۰/۵	۱۱- وامهای دریافتی

۲/۷	_____	۱۵۳- پول داخلی در دست کشورهای دیگر
۰/۷	_____	۱۵۴- حق عضویت به سازمانهای بین المللی
_____	۷۵/۹	بخش پولی
_____	۲/۵	۱۶- بدهی سازمانهای خصوصی
۱/۴	_____	۱۶-۱ وام دریافتی
_____	۳/۹	۱۶-۲ سایر
۰/۴	_____	۱۷- دارائیهای سازمانهای خصوصی
_____	۸۴/۷	۱۸- بدهی های دولت
_____	_____	۱۸-۱ پول داخلی نزد صندوق
_____	۴۸/۵	بین المللی پول
۲/۳	_____	۱۸-۲ پول داخلی نزد موسسات بین المللی
_____	_____	۱۸-۳ توافق هادرمورد پرداخت ۰/۶
_____	_____	۱۸-۴ وامها و اعتبارات دریافت شده بوسیله بانک مرکزی
۱۴۴/۲	۱۸۲/۱	۱۹- سازمانهای دولتی - دارائیهها
۱۰/۹	_____	۱۹-۱ حق عضویت صندوق
_____	_____	بین المللی پول
۹/۳	_____	۱۹-۲ توافق هادرمورد پرداخت
_____	۲/۷	۱۹-۳ سایر تعهدات
۴/۳	_____	۱۹-۴ طلای ذخایر پولی
۳۷/۲	_____	خالص اشتباهات و اقلام حذف شده:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ثبت می گردند. هزینه حمل کالاهای وارداتی که به موسسات حمل و نقل داخلی پرداخت می شود وارد ترانزی می گردد . اما هزینه حمل واردات پرداختی به موسسات خارجی در قلم ۳ گروه الف بعنوان بدهکار ثبت می شود. هزینه حمل صادرات که به موسسات حمل و نقل کشور پرداخت می شود ، در قلم ۳ گروه الف بستانکاری می گردد.

دومین قلم در گروه الف، یعنی طلای غیرپولی یکی از پیچیده ترین اقلام تراراست. طلا گاه يك كالامحسوب می شود(طلای غیرپولی) و گاه يك دارائی پولی(طلای پولی قلم ۱۹۴) بحساب می آید. ثبت مربوط به طلای غیرپولی در ترارجدول ۱ معرف صدور طلای استخراج شده از معادن می باشد در حالی که ثبت مربوط به طلای پولی معرف تفهیم و در ذخایر طلای کشور است. اگر طلای تازه استخراج شده بوسیله مقامات پولی کشور خریداری و باعث افزایش ذخایر طلای بانک مرکزی گردد، ابتدا بعنوان طلای غیرپولی در قلم ۲ بستانکار و سپس بعنوان طلای پولی در قلم ۱۹/۴ بدهکاری می گردد. این عمل بدین دلیل انجام می گیرد که از نظر اقتصادی هم طلای جدید استخراج شده و هم در ذخایر طلای کشور تغییر بوجود آمده است.

در ك سایر اقلام گروه الف در ترارنسیتا" ساده است. اجزا اصلی قلم ۴ (سایر حمل و نقل) هزینه های بندری پرداختی به کشور بوسیله کشتی های خارجی و هواپیماهای خارجی(بستانکار) و هزینه های بندری پرداختی بوسیله کشتی ها و هواپیماهای کشور به کشورهای خارجی(بدهکار) و کرایه پرداختی خارجیان به موسسات حمل و نقل داخلی(بستانکار) و کرایه پرداختی اتباع کشور به موسسات حمل و نقل خارجی است (بدهکار). مسافرت شامل هزینه های خارجیانی که بعنوان توریست بایر ای مقاصد دیگر به کشور سفر می کنند(بستانکار) و همین هزینه ها برای اتباع کشور که به خارج سفر می کنند، می باشد درآمد حاصل از سرمایه گذاری مستقیم شامل درآمد شرکت های کنترل شده بوسیله خارجیان در کشور(بدهکار) می باشد. سایر درآمدهای سرمایه گذاری شامل بهره و سود سهام دریافتی(بستانکار) و پرداختی(بدهکار) است. دولت معرف هزینه سفارتخانه های خارجی در کشور(بستانکار) و هزینه سفارتخانه های

کشور در خارج (بدهکار) می باشد. در این قلم، هزینه های نظامی مانند :
 هزینه های نظامی در خارج نیز آورده می شود. آخرین قلم یعنی سایر
 خدمات شامل اقلامی است که در سرفصل های فوق آورده نشده اند.

چرا کلیه این اقلام در ترازینهای خارجی تحت عنوان کالا و
 خدمات آورده می شوند؟ اهمیت کل این گروه راهنگامی که آنها را با
 فعالیت ها در اقتصاد ملی از طریق معادلات ساده ارتباط می دهیم، بهتر
 درک می کنیم. درآمد ملی تا حدودی از صدور کالا و خدمات (E) و تا
 حدی نیز از فروش کالا و خدمات برای سرمایه گذاری داخلی (I) و مصرف
 داخلی (C) ناشی می شود، بخشی از هزینه های اقتصاد ملی واردات کالا
 و خدمات از خارج (M) می باشد. از آنجا که کل جریان وارده کالا
 و خدمات به اقتصاد، چه از طریق تولید (Y) و چه از طریق واردات (M)
 باید برابر با کل جریان صادره یا مصرف کالا و خدمات (E+C+I) باشد،
 خواهیم داشت :

$$Y+M=E+C+I$$

یا :

$$Y-C-I=E-M$$

این معادله بمانی گوید که ما از تولید ملی بر مصرف ملی و سرمایه گذاری
 برابر ما از حساب کالا و خدمات یا برعکس ما از مصرف و سرمایه گذاری
 ملی بر تولید ملی بمعنی کسر در حساب کالا و خدمات ترازینهای
 خارجی می باشد.

ب : پرداختهای انتقالی - تمامی پرداختهای انتقالی که دریافت
 و پرداخت وجه نه در قبال ارسال و دریافت کالا و خدمات می باشند ،
 در گروه ب ثبت می شوند این پرداختها که ممکنست بصورت نقدی یا
 کالا باشند، بدو گروه خصوصی و دولتی تقسیم می شوند . پرداختهای

انتقالی خصوصی شامل هدایایه بستگان در سایر کشورهاست. مهمترین —
قلم در پرداختهای انتقالی دولتی کمک اقتصادی می باشد. تمامی معاملاتی
که معرف تغییرات در داراییها و بدهی های خارجی کشوری باشند —
در حساب سرمایه ثبت می شوند. مانده خالص این حساب تغییر در وضعیت
بدهکاری — بستانکاری کشور را اندازه می گیرد.

مانده حساب کالا و خدمات و پرداختهای انتقالی را "تراز جاری"
می خوانیم.

پ: حساب سرمایه — در داخل حساب سرمایه، یعنی گروه پ
جدول ۱، ماباید به نکات زیر توجه کنیم:

ابتدا باید بخش پولی و غیر پولی را از یکدیگر تفکیک نماییم. این
بدین معنی است که باید مبادلات بانک مرکزی و بانکهای تجاری را از
مبادلات سایر موسسات جدا سازیم.

سپس باید معاملات این گروه را بر حسب داراییها (سرمایه محلی)
و بدهی ها (سرمایه خارجی) تفکیک کنیم. این تمایز و تفکیک را ما
به راحتی در بخش پولی می توانیم ببینیم. سومین تمایز در اکثر معاملات
سرمایه ای تفکیک این معاملات به معاملات کوتاه مدت و بلندمدت
می باشد. سرمایه بلندمدت شامل تعهداتی است که باید پس از گذشت
مدت زمانی بیش از یکسال پرداخت شوند. سرمایه کوتاه مدت
در برگیرنده تعهداتی است که موعده پرداخت آنها در فاصله زمانی کمتر از
یکسال است. این تفکیک در مورد سرمایه گذاریهای انجام شده بوسیله
شرکتهای خارجی در موسسات فرعی و شعبات آنها در کشور انجام نمیگیرد.
معاملات سرمایه ای بخش غیر پولی، معاملات عادی دولت و موسسات
داخلی در حساب سرمایه است. این بخش نه تنها در برگیرنده سرمایه —

گذاری مستقیم بلکه شامل وامهانی می باشد. معاملات سرمایه ای بخش پولی، یا عمدتاً "معاملات بانک مرکزی اساساً" با معاملات سرمایه ای بخش غیرپولی تفاوت دارد. این معاملات واکنش مقامات پولی نسبت به سایر ارقام تراپرداختهای خارجی می باشند، یعنی این معاملات برای جبران کسری یا مازاد حاصل از معاملات در سایر ارقام — قرار انجام می گیرند.

آخرین قلم در تراپرداختهای خارجی، اشتباهات و ارقام حذف شده می باشد. این قلم برای متعادل کردن ترازمورد استفاده قرار می گیرد. عدم تعادل تراناشی از اشتباهات در محاسبه یا غیر کامل بودن آمار و اطلاعات جمع آوری شده می باشد.

کسری و مازاد در تراپرداختهای خارجی

تراپرداختهای خارجی که ثبت دو طرفه معاملات است، چگونه می تواند دارای کسری یا مازاد باشد؟ پاسخ این است که کسری و مازاد مانده تمامی ارقام موجود در ترازمی باشد بلکه مانده قسمتی از ترازمی است. برای درک بهتر کسری یا مازاد ترازمی، مانده هر یک از حسابهای ترازمی مورد بحث قرار می دهیم.

الف: مانده ترا جاری — اگر کسری (یا مازاد) در تراپرداختهای خارجی تنها کسری یا مازاد مربوط به معاملات خاصی است ما باید این معاملات خاص را بشناسیم. گاه مقصود از کسری یا مازاد تراپرداختها، مانده ترا جاری می باشد. غالباً حتی در بلندمدت نیز نمی توان انتظار داشت که ترا جاری متعادل گردد، زیرا برخی از کشورها صادرکننده یا واردکننده سرمایه می باشند. بنابراین بسیار طبیعی

است که یک کشور در حال توسعه تاحدی که می تواند از طریق کمک اقتصادی یادریافت سرمایه تامین مالی کند، دارای کسری درتراز جاری باشد. بهمین ترتیب، کشوری که کمک اقتصادی به سایر کشورها ارائه می کند یا صادرکننده سرمایه می باشد باید درتراز جاری دارای مازاد باشد.

ب: کدام نقل و انتقالات سرمایه معرف تامین مالی می باشند: دروهله اول تغییرات در ذخایر طلا وارد بانک مرکزی شامل نقل و انتقالات سرمایه ای تامین مالی کننده نمی گردد، زیرا کشور نمی تواند بطور مستمر ذخایر خود را کاهش دهد. از این گذشته دریافتها از صندوق بین المللی پول نیز در این گروه نمی آیند. علاوه بر این هنگامی که مقامات پولی عملیات ارزی بانکهای تجاری را کنترل می کنند، تغییر در موجودی ارزی این بانکها نیز سرمایه تامین مالی کننده بحساب نمی آید.

بنابراین تنها کمک های اقتصادی هستند که بخش اعظم نقل و انتقالات سرمایه ای تامین مالی کننده را تشکیل می دهند.

پ: مانده کلی و مانده اصلی - در تعریف مازاد یا کسری کلی تراز هدف تعیین گروهی از معاملات است که باید در بلندمدت متعادل گردند. اگرچه مازاد یا کسری مشخص شده، ممکنست همواره راهنمای مناسبی برای سیاستهای کوتاه مدت نباشد و اگرچه ارزیابی کامل تراز پرداختهای خارجی همواره به تحلیلی دقیق نیازمند است، اما گاه ارائه مانده تراز بدون در نظر گرفتن برخی ارقام می تواند در کوتاه مدت از نظر سیاستهای اقتصادی مفید و موثر واقع گردد. غالباً "بمنظور طراحی سیاستهای اقتصادی، آنچه که مانده اساسی خوانده می شود، در نظر گرفته می شود. مانده اساسی غالباً دربرگیرنده

معاملات سرمایه ای کوتاه مدت و بلند مدت به استثنای برخی از
معاملاتی است که بطور اختیاری انتخاب می شوند.
آنچه در این مقاله آمد، بحثی مختصر درباره مسئله ای بسیار
پراهمیت است و بی شک جامع نمی باشد. امید است که خواننده
بامطالعه آن مفاهیم اساسی تراز پرداختهای خارجی رادریابد.

Balance of Payments: ماخذ:

Its Meaning and uses

- Poul Høst - Madsen - IMF.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی